

بررسی عدّه مطلقه یائسه در فقه امامیه و قانون مدنی ایران

سیدمسلم حسینی ادیبانی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۲/۲)

چکیده

آیه چهارم سوره طلاق آخرین آیه در مورد عدّه مطلقه است. مشهور امامیه از آن استنباط عدّه أشهر برای یائسه مرتابه نموده‌اند و در یائسه غیرمرتابه هرچند مدخوله، قائل به عدم عدّه شده‌اند. در برابر سید مرتضی علم الهدی (ره) قائل به وجوب عدّه طلاق بر یائسه مدخوله شده است؛ خواه در سن حیض دیدن باشند یا نباشند. قانون مدنی ایران به تبعیت از مشهور امامیه بر عدم عدّه طلاق بر یائسه مدخوله است. افتتاح باب اجتهاد در فقه امامیه فرصت ارزنده‌ای است که در این مساله بازپژوهی صورت گیرد. این نوشتار با بررسی ادله طرفین و ملاحظه دیگر آیات عدّه طلاق و روایت شأن نزول به این نتیجه رسیده است که دیدگاه اقلیت، دیدگاهی استوار و مبتنی بر مبانی محکم فقهی است و می‌تواند به عنوان مستند قابل قبول، مبنا و اساس اصلاحاتی در مواد قانون مدنی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حائل، عدّه أشهر، قانون مدنی، مرتابه، مطلقه، یائسه

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)،

Email: m.hosseini@alzahra.ac.ir

طرح مسأله

بدون شک بسیاری از آراء فقهی مذاهب اسلامی مبتنی بر دیدگاه کلامی است؛ از این جهت، در بسیاری از موارد دانشمندان مذاهب، در نقد دیدگاه کلامی مخالفان، آرای فقهی آنان را به چالش می‌کشند تا بدین وسیله برتری دیدگاه کلامی خود را اثبات کنند. مسأله عده نداشتهن مطلقه یائسه یکی از موضوعات چالشی فقه مذاهب اسلامی است. مشهور امامیه بر عدم عده مطلقه یائسه، ولی مذاهب اربعه اهل تسنن بر وجوب عده بر مطلقه یائسه است.

از دیر زمان برخی از نویسندگان اهل تسنن با ایراد نقدهایی در این مسأله به تخطئه دیدگاه امامیه می‌پرداخته‌اند. ابن عبد ربّه مالکی (م/ ۳۲۸ هـ) می‌نویسد: الیهود لاتری علی النساء عده كذلك الرافضة [۷، ج ۲، ص ۲۵۰]. ابن تیمیه حرّانی حنبلی (م/ ۷۲۸ هـ) آورده است: الیهود لایرون علی النساء عده كذلك الرافضة [۱۴، ج ۱، ص ۹]. عبدالرحیم الخیاط معتزلی (م/ ۹۱۲ هـ) نیز می‌نویسد: "یرون الرافضة أن یطأ المرأة الواحدة فی الیوم الواحد مأة رجلٍ من غیر استبراء ولا قضاء عده [۲۳، ص ۸۹].

تا اینکه اخیراً برخی از نویسندگان اهل تسنن مثل سید محمود آلوسی (۱۲۷۰ هـ ق) مؤلف تفسیر روح المعانی، محمد رشید رضا (م/ ۱۳۵۴ هـ ق) نویسنده تفسیر المنار، عبدالله قسیمی نویسنده وهابی (م/ ۱۹۹۶ م) از این فتوا داستانی ساخته‌اند بنام "المتعة الدورية". رشیدرضا یکی از دلائل گمراهی سید محسن امین عاملی (م/ ۱۳۷۱ هـ ق) را دیدگاه او مبنی بر جواز متعه می‌شمارد و می‌نویسد: نزد آنان متعه دیگری به نام "المتعة الدورية" معمول است و در فضیلت آن چیزها می‌گویند که گروهی از مردان از یک زن بهره‌برند، به این ترتیب که از صبح تا هنگام چاشت در متعه شخصی باشد، از هنگام چاشت تا ظهر در متعه شخص دیگر، از ظهر تا عصر در استمتاع سومی، از عصر تا مغرب برای چهارمی، از مغرب تا عشا برای پنجمی، از عشا تا نصف شب برای ششمی و از نصف شب تا صبح برای هفتمین نفر؛ کسی که چنین متعه‌ای را جایز می‌داند جای شگفتی نیست اگر چنین سخن گوید و نامش را "الحصون المنیعه" بگذارد [۲۴، صص ۶۵-۶۶]. عبدالله قسیمی نیز همان سخنان رشید رضا را تکرار می‌کند [۴۶، ج ۱، ص ۱۱۹]. ابراهیم سلیمان الجبهان "المتعة الدورية" را یکی از انواع متعه نزد شیعه

۱. قلعه‌های مرتفع نام کتابی است از سید محسن امین عاملی در رد اتهامات نویسنده المنار بر شیعه

می‌شمارد [۴، ص ۲۵۱] وی در مقاله "مزاعم طائفة الشیعه" در مجله الدعوة کشور عربستان با طرح المتعة الدوریه و دیگر اتهاماتی از این دست، خواستار تکفیر شیعه و اعلام خروج آنان از اسلام شده است [۲۵، صص ۱۳-۱۹]. همچنین آلوسی که نخستین بار این عنوان را بکار برده و دیگران وامدار اویند [۶، ج ۳، ص ۲۸۷].

علامه امینی(ره) پس از نقل سخنان رشید رضا می‌نویسد: نسبة المتعة الدوریه و قل: الفاحشة المبینة الى الشیعة إفک عظیم، تقشع منه الجلود، و تکفهر منه الوجوه، و تسمن منه الافئدة ... نسبت دادن متعه دوریه یا بگوئید فحشای آشکار به شیعه تهمت بزرگی است که لرزه بر اندام می‌اندازد و چهره‌ها را در هم می‌کند و دلها را منزجر می‌کند... که در هیچ کتاب شیعه و حتی مخالفان شیعه نیامده است، و... [۶، ج ۳، ص ۲۸۶]. علامه امینی در این جا به همین مقدار بسنده می‌کند؛ البته در جاهای دیگر به تبیین ادله مشروعیت ازدواج موقت و لزوم عدّه در زنانی که در سن حیض دیدن هستند، می‌پردازد، [۶، ج ۳، ص ۳۰۶]. خود نویسندگان اهل سنت نیز در تبیین ازدواج موقت از نظر امامیه ضمن برشمردن احکام هفتگانه حکم ششم آن را وجوب عدّه شمرده اند؛ که اگر ذات أقرء باشد عده‌اش دیدن دو حیض و اگر خون نبیند ولی در سن حیض دیدن باشد عده‌اش ۴۵ روز، و عده وفات چهار ماه و ده روز است [۶۰، ج ۹، ص ۶۵۵۱؛ ۲۸، ج ۲، ص ۴۴]. ولی داستان "المتعة الدوریه" مربوط به صورت دیگر ازدواج موقت، یعنی ازدواج موقت زنان یائسه است.

آنچه إجمالاً در پاسخ مخالفان می‌توان گفت؛ اینکه اولاً: براساس تحقیقات انجام گرفته؛ نسبت دادن این مسأله به یهود اتهامی بیش نیست، زیرا گرچه با تتبع و جستجو در کتب مقدس یهود، نصّی بر عده نگهداشتن زنان مطلقه یا متوقّی عنها زوجها یافت نشده است [۳۳، صص ۴۰۴-۴۱۲]، ولی در مجمع القوانين شریعت یهودی آمده است: هر زنی که بیوه یا مطلقه شده است نباید پیش از گذشت نود روز با مردی دیگر ازدواج کند.^۱ همچنین در دائرة المعارف یهود آمده است: ازدواج با مطلقه و بیوه پیش از نود روز از وضع جدیدش حرام است.^۲ بنابراین؛ إسناده چنین امری به شریعت یهود دروغ و افترائی بیش نیست، و صرف نیافتن در تورات و عهد عتیق با توجه به پنهان کارهای این

1. every woman who has either become a widow or who was divorced, should not be married to another husband before the expiration of ninety days. [62, chapter 145/13].

2. Marriage with a divorcee or widow is prohibited before the lapse of 90 days from the date of acquiring her new status [61, vol 11, p11].

قوم دلیل برعدم آن نیست.^۱ ثانیاً بر فرض که این اظهارات ساخته دانشمندان یهود برای فرار از ننگ و عار و شناعة عمل باشد، باز هم تشبیه شیعه به طور مطلق به یهود افتراء و کذب محض است و ریشه در دیدگاه باطلشان - که شیعه ساخته عبد الله بن سبأ یهودی است - دارد؛ زیرا امامیه در وفات زوج برای زوجه مطلقاً عده چهار ماه و ده روز یا اُبعد الاجلین، در مطلقه حامل عده وضع حمل، در حائل مدخوله در سن من تحيض عده اُقراء یا اُشهر، خواه دائم یا موقت و... قائل است، تنها در مطلقه غیر بالغه (کمتر از نه سال قمری) به علت عدم امکان بارداری و مطلقه یائسه به علت از دست دادن فرصت بارداری دیدگاه مشهور - نه اجماع - برعدم عده است. در مذهبی که قائل به انفتاح اجتهاد است و فتاوا همواره از سوی فقیهان صاحب نظر دستخوش تغییر و تحول می‌شود، نسبت دادن آن به مذهب امامیه کذب و افتراء محض است.

سؤال پژوهش: آیا درمسأله عدم عده مطلقه یائسه نظر مخالفی نیز وجود دارد، در صورت پاسخ مثبت، اعتبار فقهی آن در چه حدی است، آیا می‌تواند مستند تغییراتی در قانون مدنی شود؟

فرضیه پژوهش: این مسأله اختلافی و در آن دیدگاه مخالف قوی و معتبری وجود دارد که می‌تواند اساس و مبنای تغییراتی در قانون مدنی شود.

پیشینه موضوع پژوهش

چنانکه گفته شد در مسأله مطلقه یائسه نظر مشهور از گذشته تاکنون برعدم عده بوده است، هرچند با آنها آمیزش جنسی انجام گرفته باشد که نیازی به ذکر اشخاص و نقل اقوالشان دیده نمی‌شود. در برابر، اقلیتی از فقیهان امامیه مثل سید مرتضی و سید ابن

۱. لازم به ذکر است، در روایات اسلامی ذیل آیه ۲۱-۲۵ سوره ص، در داستان داود (ع) چه بر اساس روایات مرده مثل روایت سیوطی [۲۹، ج ۵، ص ۳۰۰] و خطیب شربینی [۱۹، ج ۳، ص ۴۰۷] و تفسیر القمی [۴۷، ج ۲، ص ۲۲۹] و... و چه بر اساس روایات پذیرفته شده مثل روایت عیون اخبار الرضا [۳۴، ج ۱، ص ۱۵۳، باب ۱۴ / فی عصمة الانبیا؛ ۴۰، ج ۱۷، ۲۰۰]. ازدواج داود (ع) با همسر اوریاً حتی پس از سپری شدن عده بوده است، و بدون شک داود(ع) به احکام تورات عمل می‌کرده، زیرا آنها پیامبران تبلیغی شریعت تورات بوده اند، شریعتی که نام پیامبر عظیم الشان آن ۱۳۶ بار در قرآن آمده است. و ادعای عدم عده در آئین یهود امری باطل است، بر طبق این روایت در آن زمان ازدواج زن شوهر مرده تا پایان عمرش ممنوع بود، اولین کسی که خداوند به او اجازه ازدواج با بیوه را داد، داود(ع) بود. این کار بر مردم دشوار آمد و آن را بر داود(ع) خرده گرفتند.

زهره و ابن شهر آشوب قائل به وجوب عده بوده اند. نکته شایان توجه اینکه، فتوا به عدم عده یائسه صرفاً یک بحث نظری و مطرح در متون فقهی حوزه های علمیه نیست، بلکه در قانون مدنی ایران که برگرفته از فقه امامیه است، نیز انعکاس یافته است. ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی بر عدم عده مطلقه یائسه حکم کرده است. از این جهت ممکن است این فتوا و ماده قانونی آن مورد سوء استفاده بیمار دلان قرار گیرد. لذا باز پژوهی در این موضوع با توجه به تغییر شرایط در راستای تکریم زنان امری لازم و ضروری است.

استنباط سید مرتضی (ره) از آیه چهارم سوره طلاق

ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی، معروف به سید مرتضی و علم الهدی (ره)، از فقهای بزرگ امامیه در نیمه اول سده پنجم (م/ ۴۳۶ هـ ق) است؛ ایشان قائل به لزوم عده طلاق بر یائسه مدخوله است، وی بر دیدگاه خویش به آیه چهارم سوره طلاق استناد کرده است، که به اختصار نقل می‌شود.

"وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ..." و از زنان، آنانکه از عادت ماهانه مأیوسند، اگر شک کردید، عده آنان سه ماه است.

وی می‌گوید آیه صریح است در اینکه زنانی که از حیض دیدن مأیوس شدند عده‌شان سه ماه است، موضوع مطلق یائسه است، خواه در سن حیض دیدن باشند یا نباشند^۱.

سید (ره) سپس اشکالی را مطرح می‌کند و آن اینکه آیه برای عده اشهر شرط قرار داده است و آن جمله "إِنْ ارْتَبْتُمْ" است. یعنی اگر شک کردید که حیض ندیدن آنها برای بالا رفتن سنشان باشد یا بخاطر امر عارضی از مریضی؛... باید سه ماه نگه دارند، نه اینکه مطلقاً عده آنها اشهر باشد.

وی در پاسخ آن می‌گوید: که این شرط به کار اصحاب ما در استدلال بر دیدگاهشان نمی‌آید؛ آری، اگر خداوند می‌فرمود "وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ كَانَ مِثْلَهُنَّ تَحِيضٌ فِي الْإِيسَاتِ.. این مفید دیدگاهشان بود؛ ولی در آیه چنین شرطی نیامده است؛ بلکه بجای آن "إِنْ ارْتَبْتُمْ" آمده است که مفید بحالشان نیست و مقصود از "إِنْ ارْتَبْتُمْ" چنانکه جمهور مفسران گفته‌اند، شک در حکم عده و جهل به مقدار آن است.

۱. لازم به ذکر است: ادامه آیه در مورد عده غیر بالغه و زنان باردار است، بررسی استدلالی عده غیر بالغه مدخوله به فرصت دیگری موکول می‌شود، وعده زنان باردار چون مورد اختلاف نیست، لذا متعرض آنها نمی‌شویم.

سید مرتضی (ره) در تحکیم دیدگاهش مؤیداتی را ذکر می‌کند؛ که عبارتند از:

۱. روایت شأن نزول: در شان نزول آیه نقل شده که مقصود "إِنْ ارْتَبْتُمْ" عدم علم است. مُطرف از عمرو بن سالم روایت کرده است که اَبی بن کعب از رسول خدا (ص) سوال کرد که عِدَّة تعدادی از زنان در قرآن نیامده است و آنان نابالغان و سالخوردگان و زنان باردار هستند که خداوند این آیه را نازل کرد، پس علت نزول آیه شک در حکم عده و جهل به مقدار آن بوده است و روایت مطلق است.

۲. إِنْ ارْتَبْتُمْ قید موضوع نیست: زیرا خداوند زنی را که بطور قطع به یأس از خون دیدن و یائسگی رسیده است را موضوع حکم قرار داده، اما زنی که حالش مشکوک است که حیض می‌بیند یا نمی‌بیند، یائسه نیست، زیرا مشکوک الیأس که یائسه نیست.

۳. مرجعیت زنان در اخبار مربوط به حیض: سخن زنان در خون دیدن یا قطع آن حجت است و مردان در این امور به آنها رجوع می‌کنند و وقتی خبر می‌دهد که حیضش برطرف شده به آن قطع پیدا می‌شود و اگر مراد از ریب و شک در آیه مربوط به یأس از حیض باشد، می‌بایستی بفرماید "إِنْ ارْتَبْتُمْ" یا "إِنْ ارْتَبْتُمْ" چون این حکمی است مربوط به زنان؛ اما اینکه چنین نفرموده؛ بلکه مردان را مخاطب قرار داده و فرموده "إِنْ ارْتَبْتُمْ" دانسته می‌شود که مقصود جهل در اصل لزوم عِدَّة و مقدار آن است (چون مُعْتَدَّة هر چند زوجه است، اما علم زنان و فراگیری احکام از طریق مراجعه به شوهرانشان است، یا اینکه عِدَّة حق مردان است که بر زنان قرار داده شده است، چنانکه در مورد غیرمدخوله می‌فرماید "فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا" احزاب/ ۴۹ [۳۸، ص ۱۴۵].

سیدمرتضی به روایات مخالف دیدگاهش توجه نمی‌کند، چون خبر واحد را حجت نمی‌داند، یا اینکه آیه را نصّ در مدعایش می‌داند و ظاهر خبر نمی‌تواند با نصّ آیه مقابله کند، بلکه نصّ قرینه بر تصرف در ظاهر است، پس مجالی برای صحت آنها در قبال کتاب نیست [۴۱، کتاب الطلاق، ص ۹۸].

پس از سیدمرتضی، ابوالمکارم سید حمزة بن علی بن زهرة الحسینی الحلی (م/ ۵۸۵ هـ ق) نیز آیه را نصّ در وجوب عده بر مطلقه یائسه گرفته است و می‌نویسد اگر حیض ندیدن زن به جهت سالخوردگی باشد و زنان هم سن آنان حیض نمی‌بینند، اصحاب ما در حکم عده طلاق آنها اختلاف دارند، برخی گفته‌اند بر آنها عده واجب نیست و برخی گفته‌اند که باید عده اَشْهُر نکه دارند و این دیدگاه سید مرتضی و همه فقیهان اهل سنت است؛ راه احتیاط نیز در همین است، همچنین سخن خداوند "وَ اللَّائِي يَأْسَنَ..."

نصّ در مطلوب است، وی همچنین می‌گوید طبق دیدگاه جمهور مفسرین قید "إِنْ ارْتَبْتُمْ" مربوط به شک در لزوم عده و مقدار آن است؛ و می‌افزاید که ارتیب نمی‌تواند مربوط به مَنْ لَا تَحِيضُ در سن مَنْ تَحِيضُ باشد، زیرا در این که شکی نیست. سپس شأن نزول را بعنوان مؤید ذکر می‌کند [۱۸، ج ۲، ص ۳۸۱].

همچنین ابن سماعه و ابن شهر آشوب (م/ ۵۸۸. ق) نیز بردیدگاه سید مرتضی بوده‌اند [۵۹، ج ۳۲، ص ۲۳۲].

از آنجا که سید مرتضی (ره) به خبر واحد عمل نمی‌کند؛ دلیل او برمدعایش فقط آیه شریفه است که با منطوقش دلالت بر وجوب عده اَشْهَر دارد؛ در اینجا تبیین دیدگاه اقلیت را به پایان می‌بریم و از نقل روایاتی که برخی به آن تمسک کرده‌اند - مثل مُضْمَره ابی بصیر، موثقه ابن سنان و محمد بن الحکیم، صحیحه حلبی و روایت ابی بصیر - خود داری می‌کنیم، و آن را در بحث روائی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

استنباط مشهور امامیه از آیه چهارم سوره طلاق

استنباط مشهور امامیه از آیه یاد شده بر عده مطلقه یائسه بدین گونه است؛ که دلالت آیه بر ثبوت عده بر یائسه بطور مطلق نیست؛ بلکه با قید ان ارتبتم دلالت بر وجوب عده اَشْهَر دارد؛ یعنی حکم برای یائسه مُرتابه است و آن زنی است که شک دارد که به سن یأس رسیده یا خیر؟ و در واقع شک دارد که خون ندیدن مستند به یأس است یا برای عارض دیگر از مریضی و بار داری و غیر آن؛ در نتیجه کسی که مشخصاً به سن یأس رسیده حکم آن در آیه نیامده است، در نتیجه "إِنْ ارْتَبْتُمْ" بمعنای شک و ریب در موضوع است [۴۱، ص ۱۰۰].

البته به نظر صاحب جواهر (م/ ۱۲۶۶ هـ ق) آیه با مفهومش دلالت بر عدم عده برای غیر بالغه و یائسه مدخوله دارد، وی می‌نویسد: از دقت کافی در آیه حکم عده چهار دسته از زنان از منطوق و مفهوم استفاده می‌شود؛ زیرا زانی که یائسگی شان مشکوک است سه ماه عدّه نگهدارند؛ زانی که به سن یائسگی رسیده اند، عده ندارند نه سه ماه و نه سه طهر که عده مطلقه غیر حامل یکی از این دو است، اما زانی که حیض نشده‌اند اگر در سن حیض دیدن باشند، ولی به جهتی از جهات طبیعی یا عارضی حیض نمی‌بینند عده اشان سه ماه است؛ اما آنهایی که به سن حیض دیدن نرسیدند یعنی غیر بالغه برای آنها عده‌ای نیست [۵۹، ج ۳۲، ص ۲۳۵].

پاسخ مشهور از دیدگاه سید (ره)

قائلان به دیدگاه مشهور از برداشت سید مرتضی (ره) از آیه شریفه پاسخ داده و می‌گویند: آنچه را که سید (ره) در مورد "إِنْ ارْتَبْتُمْ" فرمودند و آنرا بمعنای شک در عده و جهل بمقدار آن گرفته‌اند؛ ناتمام است، زیرا.

اولاً: عده خصوصیتی ندارد تا شک و جهل در عده متعلق حکم قرار گیرد؛ با اینکه مردم نسبت به بسیاری از احکام قبل از بیان شرع جاهل هستند، در مورد هیچ کدام حکم به جهل معلق نشده است، شرط جهل به عده اولویتی ندارد [۳۱، ج ۹، ص ۲۳۳]. ثانیاً: کلمه ریب و شک مغایر با کلمه جهل است؛ اولی در جائی به کار می‌رود که واقعه مورد شک و تردید باشد، مثل "وإن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله" ولی در مورد کسی که جاهل به حکم باشد، گفته نمی‌شود: إن كنت فی ریب من وجوب الصلوة ... [۴۱، ص ۱۰۳].

ثالثاً: اینکه سید (ره) به جمهور مفسرین نسبت داده که ریب را به معنای جهل گرفته‌اند؛ این تفسیر شایعی نیست؛ امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان آورده است که معنای إن ارتبتم عبارت است از اینکه نمی‌داند یأس از خون به جهت بالا رفتن سن است یا عروض عارضی، عده‌اشان سه ماه است، اینها زنانی‌اند که همسالان آنها حیض می‌بینند؛ زیرا اگر در سن من لاتحیض باشند، شک معنا ندارد [۳۶، ج ۱۰، ص ۴۶۱]. رابعاً: جمله "إن ارتبتم" بعد از موضوع و قبل از حکم آمده است؛ پس قید موضوع است و باید موضوع را قبل از حکم - لزوم یا عدم لزوم عده - فهمید؛ و در مواردی که قید حکم است، باید گفته شود: اذا جهلتم بوجوب الصلوة فاعلموا انها واجبة.

ایراد سید در عدم جواز جمع بین واللائئین یسن... به جهت ظهور در قطع و احراز یأس؛ با إن ارتبتم بمعنای شک در یأس، نیز تمام نیست؛ زیرا قطع به یأس از دیدن خون در علم خدا مستلزم نفی ریب و شک نزد ما نمی‌باشد؛ زیرا او علام الغیوب است و یأس مقطوع به منافاتی با شک ما ندارد [۳۹، ج ۷، ص ۱۸۲].

در مورد مرجعیت زنان در اخبار مربوط به حیض، به اینکه اگر إن ارتبتم مربوط به شک در علت دیدن و ندیدن حیض باشد، می‌بایست بفرماید "إن ارتبتم..." در پاسخ آن گفته می‌شود: که معتده هرچند زن است؛ اما مخاطب آیه مردان هستند از باب اینکه زنان در فراگیری احکام به مردان رجوع می‌کنند؛ یا عده حق مردان بر زنان است "فمآلکم علیهن من عده تَعَدُوْنَهَا" احزاب، آیه ۴۹. و بین این دو منافاتی نیست [۴۱، کتاب الطلاق، ص ۱۰۲].

اما روایت شأن نزول: مرحوم صاحب جواهر ضمن قَدَح در خبر اَبی بن کعب - به اینکه بر فرض صحت، لازمه اش تقدّم عدّه ذوات الاقراء بر یائسه و صغیره است؛ در حالیکه عدّه ذوات الاقراء در سوره بقره و سوره بقره مدنی است، و این آیه در سوره طلاق و طبق نظر مشهور مکی است - می‌گوید: خبر اَبی در یائسه و غیربالغه متعیّن نمی‌باشد [۵۹، ج ۳۲، ص ۲۳۴]. البته کلام علامه حلی در این مورد روشن‌تر است و می‌گوید: سبب نزول دلیل نمی‌شود که سوال از مطلق یائسه و غیربالغه باشد؛ بلکه ممکن است که سوال از صغار و کباری باشد که حیض ندیده یا مأیوس از دیدن حیض شده؛ ولی در سن حیض دیدن هستند و نمی‌شود حکم آنها را به ذات الاقراء ارجاع داد، از این جهت جایز است که مورد سوال واقع شوند [۳۹، ج ۷، ص ۴۸۲]. این بود خلاصه دیدگاه مشهور و پاسخ از دیدگاه سید مرتضی (ره).

برداشت نویسنده از آیه شریفه

عدّه در اصطلاح فقهی عبارت است از "أَجَلٌ ضُرِبَ شَرْعاً لَانْقِضَاءِ مَا بَقِيَ مِنَ آثَارِ الزَّوْجِ" [۹، ص ۴۵۵؛ ۳۱، ج ۹، ص ۲۱۳]. عدّه مدت زمانی است که شرعاً برای سپری شدن باقیمانده آثار زوجیت تعیین شده است، عدّه حق مرد بر عهده زن است "فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا" احزاب، آیه / ۴۹. تا حقوق زوج در زمان عدّه از قبیل فرصت رجوع به زوج، منع زن از تزویج با غیر و ضایع نشدن نسب فرزند؛ حرمت زوج حفظ شود، البته در پاره‌ای از موارد تنها یکی از آنها صادق است.

عدّه دارای اقسامی است، عدّه یا برای وفات شوهر است یا برای طلاق از شوهر. در این نوشتار با عدّه وفات کاری نداریم. عدّه طلاق در حامل و حائل متفاوت است، عدّه حامل به وضع حمل است که مورد اتفاق همه مسلمین است و با آن نیز کاری نداریم، بحثمان فقط در عدّه طلاق حائل است.

آیات عدّه مطلقه حائل در سه آیه و در سه سوره قرآن آمده است:

۱- آیه ۲۲۷ سوره بقره "وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ..." زنان مطلقه باید به مقدار سه بار خون دیدن (یا پاک شدن) صبر کنند. آیه شامل همه زنان مطلقه‌ای می‌شود که عادت ماهیانه منظم دارند، خواه مدخوله باشند یا نباشند.

۲- آیه ۴۹ سوره احزاب "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا..." ای کسانی که ایمان آورده‌اید

هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و آنان را قبل از آمیزش طلاق دادید عده‌ای برای شما بر آنها نیست. این آیه در مورد طلاق قبل از نزدیکی است.

۳- آیه ۴ سوره طلاق "وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِّنْ نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ..." زنانی از شما که از عادت ماهانه مأیوسند؛ اگر شک کردید عده آنها سه ماه است، همچنین زنانی که حیض نشده‌اند... که آیه در مورد زنان غیر بالغ و سالخورده‌گان است.

ترتیب نزولی آیات یاد شده در این سوره بدین گونه است: طبق نقل علی بن موسی بن جعفر مشهور به سید بن طاووس (م/۶۶۴ هـ ق) در کتاب سعد السعود از ابن عباس، بقره/۸۴، احزاب/۸۸ و طلاق/۹۸ سوره قرآن است. طبق نقل شهرستانی در مقدمه تفسیرش (مفاتیح الاسرار ومصایح الابرار) از امام صادق (ع) بقره/۸۶؛ احزاب/۸۹ و طلاق/۹۸ سوره قرآن است. طبق نقل ابن ندیم؛ بقاعی؛ ابوالقاسم عمر، و نولدکه (Noldekeh) بقره/۹۰؛ احزاب/۹۴^۱ و طلاق/۱۰۱ سوره قرآن است [۳۷، ص ۱۰۳].

بنابراین، هر سه سوره متضمن حکم عده مطلقه حائل (زن غیر باردار)، مدنی‌اند، ترتیب نزولی بقره به اختلاف ۸۴، ۸۶، ۹۰ سوره قرآن؛ احزاب ۸۸، ۸۹، ۹۴ سوره قرآن؛ و طلاق ۹۸، ۱۰۱ سوره قرآن است، در هر سه نقل تقدیم و تاخیر سوره‌ها با اختلاف اندکی حفظ شده است، و کسی هم آیه‌ای از سوره طلاق را استثنا نکرده، به اینکه مثلاً در مکه نازل شده باشد.

پس از این مقدمه، اکنون ببینیم از آیه ۴ سوره طلاق چه استنباطی می‌توانیم داشته باشیم؟ از سه آیه متضمن عده مطلقه حائل، بدون شک آیه نخست همه مطلقات مدخوله و غیرمدخوله را شامل می‌شود، ولی آیه دوم مطلقه غیرمدخوله را از داشتن عده طلاق استثناء کرده است، ولی احکامی چون تنصیف مهر، حرمت ازدواج گروهی از زنان و مردان با یکدیگر در برخی از صور بر آن مترتب می‌شود؛ - وفات یکی از زوجین قبل از آمیزش موجب ارث؛ مهر و عده وفات می‌شود - آیه سوم در مورد غیر بالغه و یائسه مدخوله است که از سوئی مدخوله‌اند و احتمال دارد حکمشان حکم ذات الاقراء باشد، و از سوی دیگر به علت حیض نشدن حکمشان حکم غیرمدخوله باشد؛ پس حصول شک

۱. ظاهراً در جدول ترتیب نزولی، سوره احزاب از قلم افتاده است، ص ۸۰؛ ولی در جدول مقایسه ترتیب کنونی سوره‌ها با ترتیب نزولی سوره‌ها، نزول سوره احزاب را بعد از آل عمران دانسته‌اند، آل عمران در ترتیب نزولی نود و سومین است، پس احزاب نود و چهارمین سوره است [۲۷، ص ۷۴].

در لزوم یا عدم لزوم عده بر آنها کاملاً امری طبیعی است، لذا بر طبق روایات شأن نزول اُبی بن کعب از رسول خدا(ص) می‌پرسد که حکم ذات الاقراء در قرآن آمده است، ولی حکم عده‌ای چون زنان نابالغ و سالخورده‌گان و زنان باردار نیامده است: که این آیه "واللائئ یئسن ... نازل شده است [۱۰، ج ۷، ص ۴۱۴ و ۴۲۰؛ ۱۱، ج ۳، ص ۶۸۳؛ ۵، ج ۴، ص ۲۸۴؛ ۱۲، ج ۲، ص ۴۹۲؛ ۳۸، ج ۲۸، ص ۹۱؛ ۴۴، ج ۲، ص ۲۶۰؛ ۲۹، ج ۶، ص ۲۳۶؛ ۱۳، ص ۸۸].

در روایت شأن نزول سؤال از مطلق زنان سالخورده است نه خصوص آنانی که در سن حیض دیدن هستند، و آنچه از ظاهر آیه: واللائئ یئسن من المحیض من نسائکم، فهمیده می‌شود این است زنانی که از خون دیدن مأیوس می‌شوند و خون نمی‌بینند خواه در سن "من تحیض" باشند یا نباشند، باید عده اُشهر نگهدارند؛ و اختصاص دادن آیه به سن "من تحیض" بدون دلیل است، و قید "ان ارتبتم" همانند جمله معترضه خطاب به مردان است؛ یا از باب اینکه عده حق مردان بر زنان است، یا از باب اینکه شوهران مرجع زنانشان در فراگیری احکام هستند؛ و ارتیاب بمعنای شک در اصل لزوم عده است، زیرا چه بسا پس از نزول سوره احزاب و استثناء مطلقه غیرمدخوله از عده؛ این شک پیدا شده باشد که حکم عده در سالخورده مدخوله چگونه است؟ آیا چون مدخوله‌اند همانند زنان ذات الاقراء عده دارند، یا چون حیض نمی‌بینند همانند غیرمدخوله عده ندارند که آیه حکمشان را بیان فرموده که عده اُشهر نگهدارند؛ در نتیجه "ان ارتبتم" بمعنای شک و تردید است، چون مورد از موارد شک و تردید است.

شایان ذکر است، نه سید مرتضی (ره) و نه مشهور آیه ۴۹ سوره احزاب که بعد از بقره و قبل از طلاق نازل شده را مورد توجه قرار نداده‌اند.

با این بیان، نه نیازی است که ان ارتبتم به معنای جهلتم باشد، تا ایراد گرفته شود که همه احکام مسبوق به جهل مکلفین هستند و جهل به عده خصوصیتی ندارد، و نه چون "ان ارتبتم" قبل از حکم آمده قید موضوع باشد، زیرا با توجه به آنچه گفته شد، عده حق مرد و مخاطب مردان هستند و از این جهت می‌گوید اگر در حقتان تردید دارید، حکمش این است؛ در نتیجه "ان ارتبتم" ربطی به واللائئ ندارد تا قید موضوع باشد و آیه مطلق و شامل همه زنانی می‌شود که از دیدن حیض مأیوس می‌شوند؛ خواه در سن حیض دیدن باشند؛ یا نباشند.

بیان مرحوم صاحب جواهر در قدح بر روایت شأن نزول، به اینکه بر فرض صحت روایت، باید حکم عده ذات الاقراء قبل از یائسه آمده باشد درحالی‌که ذات الاقراء در سوره

بقره و مدنی، یائسه در سوره طلاق و مکی است؛... [۵۹، ج ۳۲، ص ۲۳۴] جداً مورد تأمل است، زیرا مفسران شیعه و اهل تسنن اتفاق نظر دارند که سوره طلاق مدنی و آیه‌ای از آن استثناء نشده است.

امین الاسلام طبرسی می‌گوید: سوره طلاق مدنی و آیاتها اثنتا عشرة و تسمی سوره النساء القصری. وی سپس می‌گوید: و هی مدنیة بالاجماع [۳۶، ۴۵۵/۹]. علامه طباطبایی نیز گوید: و السورة مدنیة بشهادة سیاقها [۴۰، ج ۱۹، ص ۳۶۲] وی در بحث روائی پس از نقل کلام سیوطی: نزلت سورة النساء القصری بعد التي فی البقرة بسبع سنین " می‌گوید: سورة النساء القصری هی سورة الطلاق [همان، ج ۱۹، ص ۳۶۹]. ملامحسن فیض نیز گوید و تسمی سورة النساء القصری، مدنیة بالاجماع [۴۵، ج ۵، ص ۱۸۶] و ... از مفسران اهل سنت آلوسی گوید: و هی مدنیة بالاتفاق [۳، ج ۲۸، ص ۱۱۳]، همچنین فخر رازی [۴۴، ج ۳۰، ص ۲۹] شیخ اسماعیل حقی [۱۶، ج ۱۰، ص ۲۴] جلال الدین سیوطی [۲۹، ج ۶، ص ۲۲۹] و... در نتیجه ایراد صاحب جواهر در مکی بودن سوره طلاق وارد نیست.

بدون شک روایت شأن نزول در صورت عدم معارض نقش تعیین کننده‌ای در تعیین مراد آیه، بخصوص در موارد اختلافی دارد، اگر روایت شأن نزول با این ویژه‌گی در چنین جائی به کار نیاید پس روایات شأن نزول در کجا به کار می‌آید؟ از این جهت بسیاری از فقها در استناد به آیه حق را به سید مرتضی (ره) داده‌اند. شهید ثانی پس از بحث در دیدگاه مشهور در جمع بین روایات و آیه می‌گوید "و الحق ان الآیة مُحتملةٌ لِلامرین؛ و الاستنادُ الیهَا فی الحکم غیر بَین، وان کانتِ الدلالةُ علی مذهبِ المرْتضی أوضح، وی دلیل دیدگاه مشهور را روایات فراوان معتبره شمرده و پاسخ مشهور از دیدگاه سید (ره) را خلاف ظاهر آیه و برای رعایت جمع بین آیه و روایات دانسته است [۳۱، ج ۹، ص ۲۳۴]. سید بن طاووس در دلالت آیه بر دیدگاه سید می‌گوید: و هَذَا نَصٌّ [۱۸، ج ۲، ص ۳۸۲] مقدس اردبیلی (م/۹۹۳ق) می‌گوید: و هو مذهبُ العامَّة و بعضُ الخاصَّة کالسیدِ السَّند و ذلک غیرُ بعید [۵۳، ص ۵۹] فاضل کاظمی (از شاگردان شیخ بهائی و متوفای اواسط قرن یازدهم) می‌گوید: نعم لو کانت هذه المتأخّرة النزول کان له وجهٌ [۴۹، ج ۴، ص ۵۶] البته چنانکه گذشت سوره طلاق طبق نظر مفسران و دانشمندان علوم قرآن مدنی و پس از بقره و احزاب نازل شده و کسی آیه‌ای از آن را استثناء نکرده است. فاضل مقداد گوید: این قول اکثر مفسران و سید مرتضی است [۴۳، ج ۲، ص ۲۶۰].

بررسی دلالت روایات بر دیدگاه طرفین

چنانکه گفته شد، سید مرتضی بر دیدگاهش تنها به آیه شریفه استناد کرده است، و بر طبق مبنایش در عدم اعتبار خبر واحد به روایات استناد ننموده است، پس آنچه را که فاضل مقداد [۴۲، ج ۳، ص ۳۴۰] و ابن فهد حلی [۱۷، ج ۳، ص ۴۹۸] به سید نسبت داده‌اند که ایشان به روایات احتجاج نموده‌اند، نادرست است [۳۱، ج ۹، ص ۲۳۴] ولی لازم است برای بررسی همه ادله، روایاتی را که بردیدگاه سید استناد شده و یا ممکن است استناد شود؛ نیز مورد توجه قرار دهیم.

محقق حلی می‌نویسد " فی الیائسة والتی لم تَبْلُغِ روایتان: إِحْدَاهُمَا أَنَّهُمَا تَعْتَدَانِ بثلاثة أشهر، و الاخری لا عدّة علیهما، و هی الاشهر [۵۱، ج ۳، ص ۳۵]. در زن یائسه، و زنی که بالغ نشده دو دسته روایات است: طبق یک دسته عده آنها سه ماه است و طبق دسته دیگر بر آنها عده‌ای نیست، روایات دسته دوم مشهورتر است. صاحب جواهر در شرح و توضیح عبارت محقق حلی، به روایاتی که بر دو دیدگاه استناد شده است، اشاره می‌کند، که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی دلالت روایات بر دیدگاه سید (ره)

۱. مضمرة^۱ ابی بصیر قال: عدّة التی لم تَبْلُغِ الحیضَ ثلاثة أشهر، و التی قعدت من المَحیضِ ثلاثة أشهر [۱۵، ج ۱۵، ص ۴۰۷، باب ۲، ح/۶]. این روایت نص در مطلوب است که دختری که به سن حیض دیدن نرسیده - کمترین سن امکان حیض دیدن نه سالگی است - و همچنین زنی که از حیض دیدن افتاده - در صورت دخول - سه ماه عده نگهدارند.

حمل روایت بر تقیه، یا براستحباب، یا بریائسه مرتابه که حیض نمی‌بیند ولی در سن حیض دیدن است، بدون دلیل است. مضمرة بودن روایت نیز ایرادی ندارد، چون فردی مثل ابوبصیر چیزی از خود نمی‌گوید و از غیر امام هم روایت نمی‌کند.

۲. روایت حلبی از امام صادق (ع) عدّة المرأة التی لا تحيض، و المستحاضة التی لا تطهر، و الجارية التی قد یئست و لم تُدرک الحیض ثلاثة أشهر [همان، باب ۲، ح/۸].

۱. ناگفته نماند، که روایت مقطوعه است نه مضمرة، چون با ضمیر به معصوم (ع) اشاره نشده است، بلکه روایت از ابوبصیر صحابی امام (ع) نقل شده است، و رجالیون چنین حدیثی را حجت نمی‌دانند [۵۰، ص ۹۷] بنابراین تعبیر از آن به مضمرة تعبیر دقیقی نیست.

در این روایت سخن از سه گروه از زنان است: زنی که به علت کبر سن حیض نمی‌بیند؛ زنی که دائماً خون می‌بیند، و زنی که به سن خون دیدن نرسیده است، امام(ع) در هر سه حکم به عده أشهر کرده است.

۳- روایت ابوبصیر از امام صادق(ع) قال: عِدَّةُ الْتِي لَمْ تَحِضْ وَ الْمُسْتَحَاضَةُ الَّتِي لَا تَطْهَرُ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ [همان، ج ۱۵، ص ۴۱۳، باب ۴ از ابواب العده، ح/۹] دختری که حیض ندیده و زن مستحاضه که از خون پاک نمی‌شود؛ سه ماه است.

۴- صحیح حلی از امام صادق(ع) قال عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِضُ وَ الْمُسْتَحَاضَةُ الَّتِي لَا تَطْهَرُ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ... [همان، ج ۱۵، ص ۴۱۲، باب ۴، ح/۷] اطلاق روایت شامل غیر بالغه و یائسه هر دو می‌شود، هرچند در سن حیض دیدن نباشد و تقیید به سن من تحیض دلیل ندارد.

۵- روایت محمد بن الحکیم از امام کاظم(ع) فَقُلْتُ: الْمَرْأَةُ الَّتِي لَا يَحِضُ مِثْلَهَا وَ لَمْ تَحِضْ كَمْ تَعْتَدُ؟ قال: ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ [همان، باب ۴، ح/۱۸] این روایت صریح در مطلوب است. طبق این روایات مطلقه بیش از پنجاه سال قمری در صورت دخول عده‌اش سه ماه است.

ب: دلالت روایات بر دیدگاه مشهور

بر دیدگاه مشهور در عدم وجوب عده مطلقه یائسه نیز دسته‌ای از روایات دلالت می‌کنند که عبارتند از حسنه زراره از امام صادق(ع) فِي الصَّبِيَّةِ الَّتِي لَا يَحِضُ مِثْلَهَا، وَ الَّتِي قَدْ يَسَّتْ مِنَ الْمَحِيضِ، قال: لَيْسَ عَلَيْهِمَا عِدَّةٌ وَ إِنْ دَخَلَ بِهِمَا [همان، ج ۱۵، ص ۴۰۹، باب ۳، ح/۳] و موثقه عبدالرحمان بن الحجاج از امام صادق(ع) ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلَهَا لَا تَحِضُ، قُلْتُ وَ مَا حَدَّثَهَا؟ قال إذا أتى لها اقل من تسع سنين، و التي لم يدخل بها، و التي قد يسست من المحيض و مثلها لا تحيض، قلت و ما حدتها؟ قال إذا كان لها خمسون سنة [همان، باب ۲، ح/۴] و همچنین صحیح حماد بن عثمان [همان، باب ۲، ح/ ۱]، و حسنه محمد بن مسلم از امام باقر(ع) [همان، باب ۳، ح ۱ و ۲] و دیگر روایاتی که به گفته صاحب جواهر از حیث کثرت در حدی است که می‌توان ادعای تواتر آنها را نمود [۵۹، ج ۳۲، ص ۲۳۳].

داوری بین دو دسته روایات

در داوری بین این دو دسته روایات، هرچند روایات دیدگاه مشهور از نظر سند قوی‌تر، و

به قول صاحب شرایع مشهور ترند، ولی روایات دیدگاه سید (ره) نیز مشهورند و در بین آنها صحیحه حلبی و ابوبصیر، موثقه عبدالله بن سنان و... وجود دارد، پس نمی‌توان آنها را از نظر سند مردود و حکم به عدم صحت نمود؛ زیرا بین حجت و لاجت که تعارضی نیست، تعارض بین دو روایتی است که در ظاهر هر دو واجد شرائط حجیتند، لذا محقق حلی با فرض حجیت برای هر دو طایفه، روایات عدم عدّه را به جهت شهرت روایی ترجیح داده است.

ولی روشن است که ترجیح یاد شده در یکی از دو فرض قابل تصور است: الف) آیه نسبت به عدّه یائسه مجمل باشد؛ و بر هیچ‌یک از دو دیدگاه دلالت نکند، لذا محقق حلی در این مسأله اصلاً متعرض آیه نشده، و تنها به روایات استناد کرده است؛ یا به قول شهید ثانی آیه محتمل هر دو دیدگاه باشد.

ب) آیه با منطوق دلالت بر عدّه یائسه مرتابه و با مفهوم بر عدم عدّه در یائسه داشته باشد، که مختار صاحب جواهر بوده است، در این صورت روایات عدم عدّه افزون بر شهرت روایی، موافق با مفهوم مخالف آیه نیز می‌باشد.

ولی چنانکه گذشت، از ملاحظه آیه/۴۹ سوره احزاب، و اینکه آیه /۴ سوره طلاق آخرین آیه در مورد عدّه است و روایت شأن نزول، دلالت آیه بر دیدگاه سید مرتضی ظاهر و روشن و به قول ابن زهره نص است، پس در تعارض بین دو دسته روایات، روایات وجوب عدّه به علت موافقت با ظاهر آیه مقدم می‌شود، و روایات مخالف کتاب هرچند أشهر، کنار گذاشته می‌شوند؛ زیرا طبق دیدگاه مشهور در دلالت آیه بر عدّه یائسه باید اموری را در تقدیر گرفت، مثلاً در "وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نَسَائِكُمْ" جمله "إن كان مثلهنّ تحيض في الايسات و..." و اصل عدم تقدیر است؛ و همچنین باید "ان ارتبتم" را قید موضوع گرفت، در حالی که با توضیحی که داده شد قید "ان ارتبتم اجنبی" از موضوع است؛ و طبق روایات علاجیه کتاب معیار روایات است، و باید روایات موافق کتاب اخذ شود "اذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فأعرضوهما علی کتاب الله، فما وافق کتاب الله فخذوه، وما خالف کتاب الله فردوه..." [۱۵، ج ۱۸، ص ۸۴، باب ۹ از ابواب صفات القاضی، ح ۲۹]. نه اینکه روایات موافق کتاب با اینکه مشهور و از حیث سند صحیح و موثقتند، حمل بر تقیه، یا استحباب، یا بر یائسه مرتابه شوند.

قیاس اولویت

فقه‌های مذاهب اسلامی حکمت عدّه را دو چیز ذکر می‌کنند:

- ۱- در عده وفات حکمت آن را حرمت زوجیت ذکر می‌کنند؛ لذا برای زوجه در هر سنی و با هر شرائطی عده وفات است؛ خواه زوجه کبیره باشد یا صغیره، یا نسه باشد یا غیریا نسه، مدخوله باشد یا غیرمدخوله، دائم باشد یا موقت [۵۷، ج ۲، ص ۳۳۸].
- ۲- در عده طلاق حکمت آن را دادن فرصت تجدید نظر به زوج در رجوع به زوجه، یا مصلحت حفظ نَسَب و عدم اختلاط میاه که ممکن است در صورت عدم عده و ازدواج مجدد زن نَسَب فرزند شناخته نشود. البته این حکمت عده است نه علت آن. از آنجا که امور یاد شده حکمت و جوب عده است، مشهور فقهای امامیه در موارد متعددی با عدم وجود حکمت نیز حکم به وجوب عده کرده اند، که به موارد آن اشاره می‌شود.
- الف) حکم به وجوب عده در وَطی دُبُر- آمیزش از دُبُر- [۴۲، ج ۳، ص ۳۳۱؛ ۳۰، ج ۴، ص ۳۷۲؛ ۵۹، ج ۳۲، ص ۲۱۳؛ ۲۰، ج ۴، ص ۵۴۴؛ ۲۲، ج ۲، ص ۳۱۳؛ ۵۸، ج ۲، ص ۳۳۵؛ ۴۱، کتاب الطلاق، ص ۱۱۹؛ ۳۲، ج ۲، ص ۶۹، م/۱۴۳۷].
- ب) حکم به وجوب عده در مورد زوج خَصِی [۳۱، ص ۳۱۴/۹؛ ۵۹، ج ۳۲، ص ۳۱۲ و ۳۱۴؛ ۵۸، ج ۲، ص ۳۳۵؛ ۴۱، کتاب الطلاق، ص ۱۱۹].
- ج) حکم به وجوب عده در زوجین عقیم، خارج کردن رَحِم یا بستن لوله رحم [۵۷، ج ۳، ص ۳۳۵، م/۶۴؛ ۴۱، کتاب الطلاق، ص ۱۱۸؛ ۵۴، ج ۱، ص ۲۲۲، م/۹۱۵ و ج ۲، ص ۳۳۳، م/۱۱۱۸].
- د) حکم به وجوب عده در صورتی که زوج در مسافرت باشد و سال‌ها از زن خود جدا زندگی کند که بعد از طلاق بر زوجه مدخوله عده واجب است [۵۷، ج ۳، ص ۳۳۵، م/۶۳؛ ۵۴، ج ۲، ص ۳۳۳، م/۱۱۱۹؛ ۳۲، ج ۲، ص ۶۸، م/۱۴۳۴].
- خلاصه موارد فراوانی وجود دارد، که بر مطلقه عده واجب است، هرچند زوجه عقیم و نازا باشد، یا رحم خود را خارج کرده باشد، یا فرضاً چند سال از شوهر خود جدا زندگی کند [۵۴، ج ۱، ص ۲۲۱، م/۹۱۰].
- از موارد یاد شده ظن قوی حاصل می‌شود که حکم به لزوم عده امری تعبدی است؛ به خصوص در عده وفات؛ البته در طلاق در مواردی حکمت عدم اختلاط میاه، یا دادن فرصت رجوع به زوج، یا حرمت زوجیت نیز محقق است. افزون بر آنچه گفته شد، در روایاتی علت وجوب عده طلاق را صرف آمیزش جنسی معرفی کرده است، در صحیح ابن سنان از امام صادق(ع) آمده است: قیل له فان کان واقعها فی الفرج و لم ینزل؟ فقال(ع) اذا ادخله وجب الغسل والمهر والعدة. در صحیح دیگرآمده: مُلَامَسَةُ النِّسَاءِ هِيَ

الایقاعُ بهنَّ. همچنین موثقه یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) لایُوجِبُ المهرُ إلا الوقاع فی الفرج. [۱۵، ج ۱۵، ص ۶۵، باب ۵۴ از ابواب مهوور، ح/۱، ۲ و ۶]. روایت صحیح ابی عبیده سئل ابوجعفر (ع) عن خَصِيٍّ تزوّج امرأةً و فرض لها صداقاً و هی تعلم انه خَصِيٌّ؟ فقال (ع): جایزٌ، فقیل انه مكث معها ماشاء الله ثم طلقها هل علیها عدة؟ قال (ع): نعم أ لیس قد لدّت و لدّت منه [همان، ج ۱۵، ص ۴۶۹، باب ۳۹ از ابواب العدد، ح/۱].

نتیجه: وقتی وطی دُبُر، یا خَصِيٍّ بودن زوج، یا خارج کردن رحم، یا بستن لوله رحم؛ یا سال‌ها جدائی زوجین از یکدیگر و عدم آمیزش بیش از مدت عدّه به صرف اینکه زوجه مدخوله است؛ عدّه لازم داشته باشد، در مطلقه یائسه مدخوله به طریق اولی لازم، و به مقتضای احتیاط در فروج است، هرچند در سنین یائسگی طلاق کمتری اتفاق می‌افتد. همچنین در هفت روایت وارده در باب عدّه ازدواج موقت که در آنها سوال از عدّه و مقدار عدّه است و همچنین هشت روایت در لزوم عدّه در ازدواج با غیر شوهر پس از پایان مدت، فرقی بین یائسه و غیر یائسه قائل نشده است (۱۵، ج ۱۴ ص ۳۷۳ باب ۲۲ و ۲۳ از ابواب المتعه) "ترك الاستفصال فی حکایة الحال تدلُّ علی العموم فی المقال" پس در هر دو - متمتعه یائسه و غیر یائسه - در صورت دخول، پس از اتمام یا بذل مدت، دو حیض یا چهل و پنج روز عدّه لازم است. فتوای مشهور بر عدّه نداشتن مطلقه یائسه و الحاق ازدواج موقت یائسه به مطلقه یائسه، دستمایه ساختن سناریوی "المتعة الدوریه" از سوی مخالفان شده است، که با بررسی انجام گرفته روشن شد که دیدگاه مشهور بر عدم عدّه مطلقه یائسه تمام نیست.

بازنگری در قانون مدنی

چنانکه گفته شد قانون مدنی ایران برگرفته از فقه امامیه است. ماده ۱۱۵۵ بر عدم عدّه مطلقه یائسه است و همچنین دانسته شد که این یک مسأله اختلافی، و در آن دیدگاه مخالف قوی و برخوردار از ادله محکم فقهی بر لزوم عدّه وجود دارد، عدم سوء استفاده از فتوای فقهی و حفظ کرامت زن ایجاب می‌کند که در عدّه یائسه تجدید نظر شود و مطلقه یائسه عدّه أشهر نگه دارد و ازدواج موقت با یائسه نیز همانند ازدواج موقت با غیر یائسه - دو حیض یا چهل و پنج روز - عدّه لازم داشته باشد.

از آنجا که مبنا و اساس دادرسی دادگاههای مدنی جمهوری اسلامی ایران قانون مدنی است، دیدگاه اقلیت در استنباط احکام اگر مستند به ادله شناخته شده فقه باشد

نیز می‌تواند براساس مصلحت اهم مبنا و اساس قانون قرار گیرد؛ چنانکه ماده ۱۰۶۹ در عدم مبطلیت شرط خیار فسخ در عقد نکاح. ماده ۱۱۵۸ در حداکثر مدت حمل بر دیدگاه اقلیت است؛... اخیراً (ت. ۱۳۸۲/۹/۸ ش) ماده ۱۱۶۹ در مدت حق حضانت مادر نسبت به فرزند پسر و دختر. و (ت. ۱۳۸۷/۱۲/۲۱ ش) ماده ۹۴۶ در ارث زوجه بر طبق دیدگاه اقلیت تغییر یافته است، لذا شایسته است که در عده مطلقه یائسه نیز اصلاحات مقتضی به عمل آید؛ ضرورت اصلاح در این موضوع اگر بیشتر از موضوعات یاد شده نباشد قطعاً کمتر از آنها نیست.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، نتایج این پژوهش در امور ذیل خلاصه می‌شود:

۱. دلالت آیه چهارم سوره طلاق بر وجوب عده بر مطلقه یائسه، خواه در سن من حیض باشد یا نباشد، و تقیید آن به مرتابه نیاز به تقدیر دارد و اصل عدم تقدیر است، همچنین مفهوم مخالف آیه ۴۹ سوره احزاب مطلقه یائسه را شامل می‌شود.
۲. در بررسی روایات، هر چند روایات عدم عده از شهرت روائی برخوردار است؛ ولی با فرض دلالت منطوق آیه چهارم سوره طلاق و مفهوم مخالف آیه ۴۹ سوره احزاب بر لزوم عده مطلقه مدخوله، روایات دیدگاه اقلیت به علت موافقت با کتاب مقدم است و نوبت به شهرت روائی روایات عدم عده نمی‌رسد.
۳. باتوجه به دیدگاه مشهور امامیه در وجوب عده در غیر موارد وجود حکمت عده، لزوم عده در یائسه مدخوله به اولویت و موافق با احتیاط است.
۴. با توجه به مستندات قوی دیدگاه اقلیت و حفظ کرامت زن، اصلاح ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در عدم عده مطلقه یائسه ضرورت دارد.

منابع

- [۱] قرآن مجید
- [۲] آل کاشف الغطاء، محمدحسین؛ (۱۳۶۱ هـ ق) تحریر المجله، قم، مکتبه فیروز آبادی.
- [۳] آلوسی، سید محمود، (۱۳۴۵ هـ ق)، روح المعانی، مصر.
- [۴] ابراهیم سلیمان الجبهان، (۱۴۰۰ هـ ق)، تبذیر الظلام وتنبيه الانام الى خطر التشيع على المسلمين و الاسلام، ریاض: مکتبه الحرمین.
- [۵] ابن عربی، محمد بن عبدالله، (۴)، احکام القرآن، بیروت: دارالمعرفه.

- [۶] امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷هـ.ق)، الغدير في الكتاب والسنة والادب، بيروت: دارالكتاب العربي.
- [۷] اندلسی، ابن عبدربه، (۱۴۰۴هـ.ق)، عقد الفريد، بيروت: دارالكتب العلمية.
- [۸] بحرانی، شیخ یوسف، (۱۴۰۵هـ.ق)، الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- [۹] بدران، ابوالعینین، (۱۹۶۷م)، الفقه المقارن للاحوال الشخصیه، بيروت: دارالنهضة.
- [۱۰] بیهقی، احمد بن الحسين، (۱۳۴۴هـ.ق)، السنن الكبرى، هند: حیدرآباد.
- [۱۱] جصاص، احمد بن علی الرازی، (۱۳۳۵هـ.ق)، احكام القرآن، بيروت: دارالكتاب الاسلامی.
- [۱۲] حاکم نیشابوری، (۱۳۳۵هـ.ق)، المستدرک علی الصحیحین، بيروت: دارالمعرفة.
- [۱۳] حجتی، سید محمد باقر، (۱۳۶۹ش)، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۱۴] حرانی، ابن تیمیہ، (۲۰۰۹م)، منهاج السنة النبویہ فی نقض کلام الشیعة و القدریہ، بيروت: دارالكتب العلمية.
- [۱۵] حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۹هـ.ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تهران: اسلامیه.
- [۱۶] حقی، شیخ اسماعیل، (۱۹۲۸م)، روح البیان، استانبول: المكتبة الاسلامية.
- [۱۷] حلّی، احمد بن محمد ابن فهد الحلّی، (۱۴۱۱هـ.ق)، المهذب البارع، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- [۱۸] حلّی، سید حمزه بن زهره، (۱۴۱۷هـ.ق)، غنية النزوع الی علمي الاصول و الفروع، قم: مؤسسة الامام الصادق.
- [۱۹] خطیب شربینی، محمد بن احمد، (۱۴۲۵)، تفسیر القرآن الکریم المسمی بالسراج المنیر، بيروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر.
- [۲۰] خوانساری، آية الله سيد احمد، (۱۴۰۵هـ.ق)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- [۲۱] خوئی، آية الله سيد ابوالقاسم، (۱۳۹۶هـ.ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: المطبعة العلمية.
- [۲۲] ——— (۱۳۹۷هـ.ق) منهاج الصالحين، نجف اشرف، مطبعة النعمان.
- [۲۳] خياط، عبدالرحيم الخياط المعتزلي، (۱۳۴۴هـ.ق)، كتاب الانتصار، قاهره: دارالعربية للكتاب.
- [۲۴] رشيد رضا، (۱۳۶۶هـ.ق)، السنة و الشیعة او الوهابية و الرفضه، ج ۲، قاهره: دار المنار.
- [۲۵] روحانی، سید مهدی الحسینی الروحانی (۱۳۹۹هـ.ق)، بحوث مع اهل السنة و السلفية، المكتبة الاسلامية.
- [۲۶] زرکلی، خیر الدین، (۱۹۹۰م)، الاعلام، بيروت: دارالعلم للملایین.
- [۲۷] زنجانی، ابوعبدالله، (؟)، تاریخ القرآن، ترجمه سید حسام فاطمی، تهران: انتشارات افشار.
- [۲۸] السید السابق، (۱۳۸۹هـ.ق)، فقه السنه، بيروت: دارالكتب العربي.
- [۲۹] سیوطی، جلال الدین، (؟)، الدر المنثور، بيروت: بی جا.
- [۳۰] شهید ثانی، (۱۴۲۹هـ.ق)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- [۳۱] ———، (۱۴۱۴هـ.ق)، مسالك الافهام فی شرح شرايع الاسلام، قم: معارف الاسلامیه.
- [۳۲] صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۲۲هـ.ق)، جامع الاحکام، قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومه.
- [۳۳] صبری، محمد حافظ، (۱۳۲۰هـ.ق)، المقارنات و المقابلات بین احکام المرافعات و المعاملات و الحدود فی شرع اليهود و نظائرها من الشریعة الاسلامیة الغراء و من القانون المصری و القوانين الوضعیة الاخری، مصر: مطبعة هندیه.
- [۳۴] صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، (۱۳۹۰هـ.ق) عیون اخبار الرضا، تهران، منشورات الاعلمی.

- [٣٥] طباطبائي يزدي، سيد محمد كاظم، (١٤١٦هـ.ق)، العروة الوثقى، قم: اسماعيليان.
- [٣٦] طبرسي، فضل بن حسن طبرسي، (١٤٠٦هـ.ق)، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة.
- [٣٧] طبري، محمد بن جرير، (١٣٩٢هـ.ق)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة.
- [٣٨] علم الهدى، سيد مرتضى، (١٣٩٢هـ.ق)، الانتصار، نجف اشرف: المطبعة الحيدريه.
- [٣٩] علامه حلي، حسن بن مطهر، (١٤١٨ هـ.ق)، مختلف الشيعه في احكام الشريعه، قم: جامعه مدرسين.
- [٤٠] علامه طباطبائي، سيد محمد حسين، (١٣٩٣هـ.ق)، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الاعلمي.
- [٤١] فاضل لنكراني، شيخ محمد، (١٤٢٩هـ.ق)، تفصيل الشريعه في شرح تحرير الوسيله، قم: مركز فقه الائمه الاطهار(ع).
- [٤٢] فاضل مقداد، (١٤٠٤هـ.ق)، التنقيح الرائع لمختصر الشرايع، قم: مطبعة الخيام.
- [٤٣] _____، (١٣٨٤هـ.ق)، كنز العرفان في فقه القرآن، تهران: انتشارات مرتضوى.
- [٤٤] فخر رازي، محمد بن عمر، (؟)، التفسير الكبير، ج ٢، تهران: دارالكتب العلميه.
- [٤٥] فيض كاشاني، مولي محمد محسن، (؟)، تفسير الصافي، مشهد مقدس: انتشارات سعيد.
- [٤٦] قصيمي، عبدالله على القصيمي، (١٣٥٦هـ.ق)، الصراع بين الاسلام و الوثنيه، قاهره: المكتبة السلفيه.
- [٤٧] قمى، على بن ابراهيم، (١٣٨٧هـ.ق)؛ تفسير القمى، مطبعة النجف.
- [٤٨] قمى، ميرزا ابوالقاسم (١٣٧١ش) جامع الشتات، تهران انتشارات كيهان.
- [٤٩] كاظمى، جواد، (؟)، مسالك الافهام الى آيات الاحكام، تهران: المكتبة المرتضويه.
- [٥٠] مؤدب، سيد رضا، (١٣٧٨ش)، علم الحديث، قم: انتشارات احسن الحديث.
- [٥١] محقق حلي، نجم الدين جعفر بن الحسن الحلي، (١٣٨٩هـ.ق)، شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، نجف اشرف: المطبعة الاداب.
- [٥٢] _____، (١٣٧٨هـ.ق)، المختصر النافع، نجف اشرف، مكتبة الاداب.
- [٥٣] مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، (؟)، زبدة البيان في احكام القرآن، تهران: المكتبة المرتضويه.
- [٥٤] مكارم شيرازي، ناصر، (١٣٩٣ش)، استفتايات جديد، قم: انتشارات امام اميرالمومنين.
- [٥٥] _____، (١٤١٦هـ.ق)، انوارالفقاهه، كتاب الخمس والانفال، قم: انتشارات نسل جوان.
- [٥٦] موسوى اصفهاني، آية الله سيدابوالحسن، (١٣٩٣هـ.ق)، وسيلة النجاة، قم: مطبعة مهر.
- [٥٧] موسوى خميني، آية الله سيد روح الله (١٣٨٢ش)، استفتايات، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- [٥٨] _____، (١٤٢١هـ.ق)، تحريرالوسيله، قم: موسسه نشر و تنظيم آثار.
- [٥٩] نجفى، شيخ محمدحسن، (١٩٨١م)، جواهرالكلام في شرح شرايع الاسلام، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- [٦٠] وهبه زحيلي، (١٤٠٤هـ.ق)، الفقه الاسلامي و ادلته، بيروت: دارالفكر.

[61] Encyclopedia Judaica, Jerusalem, Keter, 1996.

[62] Rabbit, Solomon Ganzfried, Code of Jewish Law, New York: Hebrew publishing company, 1927.